

۳. آلوسی بغدادی، نعمان، جلاءالعینین، مطبعة المدنی، ۱۴۰۱ هـ به نقل از ابن تیمیة، ص ۱۹۹.

۴. انصاری، فاضل، قصة الطوائف، دمشق، صفحات ۱۵۵ به بعد.

۵. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تحقیق و ناشر: مؤسسه اهل البيت لاحیاء التراث، قم، ج ۲، ۱۴۱۴ هـ، جلد ۲۷، صفحه ۱۱۱ و جلد ۱۶، صفحه ۱۶۰.

۶. حیدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، مکتبه الصدر، تهران، ج ۳، ۱۴۱۱ هـ، ج ۱، ص ۱۶۰.

۷. سائیس، محمدعلی، تاریخ الفقه الاسلامی، کلیه الشریعه بالجامعه الازهریه، قاهره، صفحه ۹۲ به بعد.

۸. سبحانی، جعفر، موسوعة طبقات الفقهاء، مؤسسه امام صادق، قم، ج ۱، ۱۴۱۸، بخش دوم از مقدمه، صفحه ۵۷. (متن عربی).

۹. مجله «رسالة التقرب»، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۴۲۳ هـ، شماره ۳۶، صفحه ۲۱۰.

۱۰. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، تحقیق: رحمه الله الرحمتی الیراکی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۲ هـ.

۱۱. نیسابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ۱۹۷۲ م، ج ۴، ص ۱۹۸۶.

۱۲. واعظزاده خراسانی، محمد، «دراسات و بحوث»، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ج ۱، ۱۴۲۱ هـ، جلد ۱، صفحه ۵۴۵ به بعد.



## مسئله‌شناسی دکترین وحدت اسلامی

دکتر محمود احمدی میانجی<sup>۱</sup>

### چکیده

مسئله‌شناسی وحدت اسلامی و تقریب بین‌المذاهب سؤال اصلی این نوشتار است. نویسنده به ضرورت بحث و ثمرات و نتایج آن در مقدمه نوشتار می‌پردازد. در پاسخ به سؤال اصلی، دیدگاه‌های آیت‌الله بروجردی، علامه امینی، شهید مطهری، امام خمینی و مقام معظم رهبری مطرح می‌شود. نویسنده در پایان نتیجه‌گیری می‌نماید که تئوری وحدت اسلامی و تقریب بین‌المذاهب به روابط پیروان مذاهب ناظر بوده و مسئله فقهی و حقوقی است. طرح و اندیشه تقریب، مسئله کلامی نیست و روش‌های کلامی در آن از خطاهای راهبردی است.

واژگان کلیدی: مسئله‌شناسی، وحدت اسلامی، تقریب بین‌المذاهب، فقهی و حقوقی، کلامی، روش.

### مقدمه

دکترین تقریب بین‌المذاهب، مقوله‌ای است که در دهه‌های اخیر به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر مورد توجه جوامع روشن‌فکری دینی کشورهای اسلامی قرار گرفته است. اختلاف و تفرقه بین امت اسلامی و واگرایی مسلمانان و تشدید تنازعات مذهبی، پدیده‌ای است که دل هر انسان مسلمان را به درد می‌آورد. خطر دشمنی و تنازع بین پیروان مذاهب اسلامی، و کشتار مخالفان مذهبی با انگیزه دینی، پدیده بسیار زشت و نفرت‌انگیزی است که چهره خشن خود را در بعضی از مناطق اسلامی مانند: عراق، پاکستان و افغانستان نشان داده است.

۱- استادیار جامعه‌المصطفی العالمیه.

با تأمل در رفتار دشمنان اسلام و مسلمین، به خصوص آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل درمی‌یابیم که راهبرد اصلی استکبار جهانی بر مبنای تفرقه و درگیری‌های مذهبی بین پیروان مذاهب اسلامی است.

مصلحان و اندیشمندان دنیای اسلام از دیرباز، تنها راه مقابله با این پدیده شوم را تز وحدت اسلامی و تقریب بین‌المذاهب می‌دانسته‌اند. تأسیس دارالتقریب در قاهره، حرکت و نهضت تقریبی توسط سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، آیت‌الله بروجردی و شیخ شلتوت و ندای وحدت‌طلبانه امام خمینی، شهید مطهری، مقام معظم رهبری و تأسیس مجمع جهانی تقریب بین‌المذاهب، همه در راستای دعوت به توحید کلمه بین مسلمانان است.

از طرفی، جمع قابل توجهی از بزرگان و رهبران مذهبی به این پدیده با دیده شک و حیرت می‌نگرند و آن را حرکتی در تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی مردم و با انگیزه صرفاً سیاسی و با اهدافی مغایر با تبلیغ معارف مذهبی تلقی می‌نمایند.

اگر نگاه واقع‌بینانه به مقوله تقریب در حوزه‌های دینی شیعه و سنی داشته باشیم درمی‌یابیم که غالباً نگاه‌ها به این مقوله، نگاه تردیدآمیز و نگران از تأثیر سوء آن بر باورهای مذهبی است. در حوزه‌های شیعی می‌گویند نگاه تقریبی باعث می‌شود بعضی از حقایق مذهبی به نسل‌های حاضر به صورت صحیح منتقل نشود و به مرور واقعیت‌های تاریخی شیعه و به خصوص اهل بیت علیهم‌السلام به فراموشی سپرده شود.

از طرفی، در جوامع اهل سنت، تقریب را یک نوع تاکتیک برای تبلیغ شیعه بین اهل سنت ارزیابی می‌کنند.

با ارزیابی و تجزیه و تحلیل این مقوله درمی‌یابیم که مسئله‌شناسی وحدت اسلامی و تقریب بین‌المذاهب به صورت روشن بررسی نشده است.

سؤال اصلی این نوشتار مسئله‌شناسی دکترین تقریب بین‌المذاهب و وحدت اسلامی است و در این راستا به مسئله‌شناسی تقریب بین‌المذاهب و وحدت اسلامی از دیدگاه امام خمینی، شهید مطهری، مقام معظم رهبری و سایر رهبران و منادیان تقریب پرداخته می‌شود. با مسئله‌شناسی تقریب و وحدت اسلامی، دغدغه‌ها و نگرانی‌های متدینین مرتفع می‌شود و نظریه‌پردازان تقریب به مبانی نظری و مستندات شرعی آن می‌پردازند و این مقوله که از نظر جمعی از اندیشمندان تهدیدی برای اعتقادات مذهبی تلقی می‌شود، می‌تواند فرصتی برای نشر معارف مذهبی باشد.

### تقریب یک مسئله کلامی یا فقهی و حقوقی؟

آیا در دکترین تقریب، درصد نزدیک کردن دیدگاه‌های مذاهب کلامی و فقهی شیعه و اهل سنت هستیم؟ آیا تقریب به معنای چشم پوشیدن از اعتقادات شیعه در مسئله امامت و رهبری امامان

اهل بیت علیهم‌السلام است؟ آیا تقریب به معنای چشم‌پوشی از واقعیت‌های تاریخی است؟ آیا تقریب به معنای کوتاه آمدن و کتمان حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام است یا این که به معنای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی است و وحدت اسلامی، اتحاد، انسجام و تقریب بین‌المذاهب، به روابط پیروان مذاهب اسلامی و حقوق شهروندی ناظر است. در مسئله‌شناسی تقریب درصد پاسخ‌گویی به این مهم هستیم.

### مسئله‌شناسی تقریب از نگاه آیت‌الله بروجردی

با توجه به نبود مستند مکتوب و غیرمکتوب از فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله حاج سید حسین بروجردی (اعلی الله مقامه)، تنها راه شناخت دیدگاه‌های آن بزرگوار فرمایش‌های شاگردان ایشان می‌باشد؛ بنابراین در این مورد به نقل دیدگاه‌های ایشان از زبان شاگردان وی می‌پردازیم. آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله نگاه کلامی به وحدت نداشت تا به وحدت مذهبی منجر بشود بلکه مراد ایشان نگاه فقهی و حقوقی است. استاد شهید مطهری دیدگاه آیت‌الله بروجردی را چنین بیان می‌کند: «طراحان فکر عالی اتحاد اسلامی که در عصر ما مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در شیعه و علامه شیخ عبدالمجید سلیم و علامه شیخ محمد شلتوک در اهل سنت در رأس آن قرار داشتند، معتقد بودند که فرقه‌های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام و فقه و غیره با هم دارند، به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آنها هست می‌توانند در مقابل دشمنان اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی را تشکیل بدهند. این بزرگان هرگز در صدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی که هیچ‌گاه عملی نیست نبودند.» (مطهری، امامت و رهبری، ص ۱۶-۱۸).

نگاه فقهی و حقوقی به وحدت، اقتضائاتی دارد، از جمله بیان آزادانه اعتقادات مذاهب، که استاد شهید مطهری از نگاه آیت‌الله بروجردی چنین توضیح می‌دهد: «به هر حال طرفداری از تز «اتحاد اسلامی» ایجاب نمی‌کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود؛ آنچه نباید صورت گیرد کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه‌های مخالف را برمی‌انگیزد، اما بحث علمی سر و کارش با عقل و منطقی است نه عواطف و احساسات.

خوشبختانه در عصر ما محققان بسیاری در شیعه پیدا شده‌اند که از همین روش پسندیده پیروی می‌کنند. در رأس همه آنها علامه جلیل آیت‌الله شرف‌الدین عاملی و علامه کبیر آیت‌الله شیخ محمد حسین کاشف و آیت‌الله شیخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب شریف الغدیر را می‌توان نام برد.» (پیشین، ص ۱۸).

### مسئله‌شناسی تقریب از نگاه علامه امینی رحمته‌الله صاحب «الغدیر»

علامه امینی در مقدمه جلد پنجم با عنوان «نظریه کریمه» به مناسبت تقدیرنامه‌ای که از مصر درباره «الغدیر» رسیده است نظر خود را در این موضوع کاملاً روشن بیان می‌کند. وی می‌گوید: «عقاید و آرا درباره مذاهب آزاد است و هرگز رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» بدان تصریح کرده پاره نمی‌کند، هر چند کار مباحثه علمی و مجادله کلامی و مذهبی به آوج خود برسد. سیره سلف و در رأس آنها صحابه و تابعین همین بوده است.» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۸).

«ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و انکاف جهان اسلام، با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم یک جامع مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خدا است. در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکم‌فرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است. ما مؤلفان اسلامی همه در زیر پرچم حق زندگی می‌کنیم و تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم انجام وظیفه می‌نماییم. پیام همه ما این است که «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» و شعار ما هم «لا اله الا الله و محمد رسول الله» است. آری، ما حزب خدا و حامیان او هستیم.» (پیشین، ص ۲۸-۲۹).

شهید مطهری دیدگاه علامه امینی در مسئله‌شناسی تقریب را چنین توضیح می‌دهد:

«اکنون نوبت آن است که ببینیم علامه بزرگوار آیت‌الله امینی مؤلف جلیل‌القدر الغدیر از کدام دسته است و چگونه می‌اندیشیده است؛ آیا ایشان وحدت و اتحاد مسلمین را تنها در دایره تشیع قابل قبول می‌دانسته‌اند یا دایره اخوت اسلامی را وسیع‌تر می‌دانسته و معتقد بودند اسلام که با اقرار و اذعان به شهادتین محقق می‌شود، خواه و ناخواه حقوقی را به عنوان حق مسلمان بر مسلمان ایجاد می‌کند. وصله اخوت و برادری که در قرآن به آن تصریح شده، میان همه مسلمین محفوظ است. علامه امینی طرفدار وحدت اسلامی هستند و با نظری وسیع و روشن‌بینانه بدان می‌نگرند. معظم‌له در فرصت‌های مختلف در مجلدات الغدیر این مسئله را طرح کرده‌اند.» (پیشین).

### مسئله‌شناسی تقریب از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله

شهید مطهری مسئله تقریب را یک مسئله فقهی و حقوقی و عبارت از حسن همکاری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی، عدم تکفیر دیگران به خاطر داشتن عقاید کلامی مخالف هم و تسامح با اهل مذاهب دیگر می‌داند. وی می‌گوید: وسعت نظر و سعه مشرب، چه در آن چه مربوط به غیر مسلمان است که یکی از علل تشکیل تمدن اسلامی تسامح با اهل مذاهب دیگر است و چه از نظر خود مسلمانان و اختلاف عقاید و سلیق که امروز به عکس نوعی تنگ‌نظری عجیب حکم‌فرماست که همه، همه را تخطئه و تکفیر و

تفسیق می‌کنند رحمت خدا را محدود می‌کنند، هی قید و شرط بر اسلام می‌افزاید. اسلام می‌گوید: «لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا».

تفکرهای محدود که منجر به تخطئه‌ها و تکفیرها و تفسیق‌ها می‌شود بزرگ‌ترین اثرش تفرق و تشتت نیروهاست. خوارج که در کتاب جاذبه و دافعه علی رضی‌الله‌عنه درباره‌شان بحث کرده‌ایم مظهر و نمونه کامل این محدودیت فکری هستند.» (مطهری، یادداشت‌ها، ج ۱، ص ۱۵۵).

شهید مطهری به مسئله‌شناسی وحدت اسلامی توجه و اهتمام خاص داشت و به طور مکرر در نوشته‌های خویش آن را توضیح می‌داد تا از تز وحدت اسلامی سوء برداشت نشود. ایشان می‌گوید:

«مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است: از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شوند؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا این که وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است؟

مخالفین اتحاد مسلمین برای این که از وحدت اسلامی مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشن‌فکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها - که نه معقول و نه منطقی است و نه مطلوب و عملی - نیست. منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.

این دانشمندان می‌گویند: مسلمین مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌توان مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم صلی‌الله‌عنه ایمان و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند، مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند، کودکان خود را تربیت می‌کنند و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان‌بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند، خصوصاً این که در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نص صریح قرآن

برادر یک‌دیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به هم مربوط می‌کند. با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته استفاده نکنند؟

از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی بنمایند. هم‌چنان که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی‌مابین بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی از این نظر ایجاب می‌کند، این است که مسلمین - برای این که احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود و یا شعله‌ور نگردد - متانت را حفظ کنند، یک‌دیگر را سب و شتم ننمایند، به یک‌دیگر تهمت نزنند و دروغ نبنند، منطق یک‌دیگر را مسخره نکنند و بالاخره عواطف یک‌دیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت - لا اقل - حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان به اسلام لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»

برای برخی این تصور پیش آمده که مذهبی که تنها در فروع با یک‌دیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی، می‌توانند با هم برادر باشند و با یک‌دیگر در یک صف قرار گیرند. اما مذهبی که در اصول با یک‌دیگر اختلاف نظر دارند به هیچ وجه نمی‌توانند با یک‌دیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی مجموعه‌ای به هم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون از نوع «اقل و اکثر ارتباطی» است، آسیب دیدن یکی عین آسیب دیدن همه است. علی‌هذا آن‌جا که مثلاً امامت آسیب می‌پذیرد و قربانی می‌شود، از نظر معتقدین به این اصول، موضوع وحدت و اخوت منتفی است و به همین دلیل شیعه و سنی به هیچ وجه نمی‌توانند دست یک‌دیگر را به عنوان دو برادر مسلمان بفشارند و در یک جبهه قرار گیرند. دشمن هر که باشد». (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۶۲۵).

نظریه وحدت اسلامی و تقریب بین پیروان مذاهب اسلامی به مقام تعامل و تعایش سلمی و هم‌زیستی پیروان مذاهب اسلامی ناظر بوده و بحثی فقهی و حقوقی است و مقام بحث، حقوق پیروان مذاهب اسلامی در جامعه اسلامی و نحوه تعامل آنها با یک‌دیگر است نه این که بحثی کلامی و به دنبال پاسخ‌گویی به این باشد که چه کسی مأجور و مصاب است.

شهید مطهری به کسانی که به تقریب نگاه کلامی داشته و لوازم آن را مطرح می‌نمایند و معتقدند نظریه وحدت اسلامی ملازم با دست کشیدن از پاره‌ای اعتقادات است چنین پاسخ می‌دهد:

«مفهوم اتحاد اسلامی که در صد سال اخیر میان علما و فضالای مؤمن و روشن‌فکر اسلامی مطرح است این نیست که فرقه‌های اسلامی به خاطر اتحاد اسلامی از اصول اعتقادی و غیراعتقادی خود صرف‌نظر کنند و به اصطلاح مشترکات همه فرق را بگیرند و مختصات همه را کنار بگذارند، چون این کار نه منطقی است و نه عملی.

چگونه ممکن است از پیرو یک مذهب تقاضا کرد که به خاطر مصلحت حفظ وحدت اسلامی و مسلمین از فلان اصل اعتقادی یا عملی خود که به هر حال به نظر خود آن را جزء متن اسلام می‌داند صرف‌نظر کند؟ در حکم این است که از او بخواهیم به نام اسلام از جزئی از اسلام چشم‌پوشد». (مطهری، امامت و رهبری، ص ۱۶۱۵).

### مسئله‌شناسی تقریب از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام

امام خمینی در بیانات مختلف خویش مراد از وحدت اسلامی را هم‌بستگی صفوف مسلمین در مقابل دشمنان و تساوی آنها در بهره‌مندی از حقوق شهروندی معرفی می‌نماید. ایشان می‌گوید:

«برادرهای سنی ما مثل ما هستند، با ما هیچ فرقی ندارند در حقوق، حقوق همه آنها داده خواهد شد. شرکت کنند آنها هم در آن چه سرنوشت آنها را تعیین می‌کند، به حرف اشخاص که بین آنها می‌خواهند تفرقه بیندازند، می‌خواهند به اسم سنی و شیعه بودن بین ما برادرها را جدایی بیندازد و منافع ما را به جیب دیگران بکشد، به حرف اینها اعتنا نکنید، فردا همه شیعه و سنی و اقلیت‌های مذهبی، همه بیابند رأی بدهند و کشور خودشان را از این گرفتاری و آشفتگی‌های بخت‌بختی همه افشار ملت با ملت شریک هستند در حقوق و حقوق همه به آنها داده خواهد شد. اقلیت‌های مذهبی در اسلام، احترام دارند، حقوق دارند، باید حقوق آنها را داد، در عمل به مذهب، به مذهب خودشان در رأی دادن برای وکلای خودشان آزادند، همه افشار آزاد هستند و این معنا که بین شماها پخش می‌کنند که روحانیون می‌خواهند حق شما را نگذارند به شما برسد، بدانند که این خیانتی است که اینها می‌کنند به ملت ما، روحانیون در رأس آنها هستند که حقوق را، حقوق شماها را محترم می‌شمارند، روحانیون تابع قرآن و اسلام هستند». (امام خمینی، ج ۵، ص ۲۱۹).

امام خمینی اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی را از سیاست‌های دشمنان ناشی دانسته و می‌گوید: «عوامل اجانب که منافع خود و اربابانشان را در خطر می‌بینند برای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادرکشی، قضیه شیعه و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیطنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی، همه برادران شیعه و سنی در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران است و برادران کرد باید این تبلیغات غیر اسلامی را در نطفه خفه کنند». (پیشین، ج ۸، ص ۲۵۷).

ایشان می‌فرماید: «من مکرر اعلام کرده‌ام که در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست، تمام مسلمین، چه اهل سنت و چه شیعی برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند». (پیشین، ص ۲۸۴).

«همان‌طور که شما چهار مذهبی که در اهل تسنن هست، چطور آن مذهب با آن مذهب دو تاست لکن برادر هم هستند، دشمن نیستند. این هم یک مذهب خامسی است که دشمنی در کار نیست، همه برادری، همه مسلمان، همه اهل قرآن، همه تابع رسول اکرم ﷺ». (پیشین، ج ۹، ص ۴-۳).

امام خمینی رحمته الله علیه نگاه کلامی به وحدت اسلامی و طرح آن را به نفع امت اسلامی نمی‌داند و پیشینه تاریخی اختلاف‌اندازی را چنین بیان می‌کند:

«مسئله اختلاف بین پیروان دو طایفه و دو مذهب، ریشه‌اش از صدر اسلام است، در آن وقت خلفای اموی و خصوصاً عباسی در صدد بودند که اختلاف ایجاد کنند، مجالس درست می‌کردند و (به اختلاف) دامن می‌زدند. این اختلاف کم‌کم اسباب این شد که در بین عوام از اهل سنت و عوام از اهل شیعه این تنافس پیدا شد و گرنه، نه عوام اهل سنت به سنت رسول‌الله عمل کرده و می‌کنند و نه عوام اهل شیعه پیروی از ائمه اطهار کرده‌اند. ائمه اطهار ما کوشش کردند تا اینها را داخل در جمعیت کنند، با آنها نماز بخوانند، به تشییع جنازه‌های آنها بروند. زمان کم‌کم آمد به این طرف و قدرتمندان این کار را کردند برای این که این دو طایفه با هم سرگرم باشند و خودشان هر کاری می‌خواهند بکنند». (پیشین، ج ۶، ص ۹۴).

امام خمینی اصرار دارد از طرح مسائل اختلاف‌انگیز که باعث جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی می‌شود جلوگیری نماید: «امروز روز این بحث‌ها نیست و دنبال کردن این حرف که چه کسی بد است و چه کسی خوب است خلاف اسلام است و خلاف مصالح اسلامی. این جزء نقشه‌ای از خارج است که نگذارند این مملکت آرام گیرد، نگذارند شما یک مملکت اسلامی درست کنید. این نقشه‌ای است که از خارج اشخاص شیطان الهام می‌کنند به اشخاص متدین و آنها هم بی‌توجه دنبال می‌کنند و شما مردم را آماده کنید که امروز روزی نیست که ما مساجدمان را صرف این بکنیم که زید بهتر است یا عمرو، مسیرتان، کارت‌ان، منبرتان و بازارتان همه دنبال این باشد. الآن باید همه روی این جمع شویم که این قانون اساسی درست از کار در بیاید و اشخاصی را که تهیه می‌کنید برای بررسی قانون اساسی اشخاص صحیح باشند، مسلمان و متدین باشند، شرقی و غربی نباشند، امین باشند.

امروز وقتتان را صرف این بکنید، صرف این که زید خوب است یا نیست، نکنید، خوب باشد پیش خدا خوب است، بد باشد پیش خدا بد است به شما چه کار؟ این مگر یکی از ارکان اسلام است که زید خوب است یا عمرو؟ امروز سر ولایت حضرت امیر هم نباید دعا کرد، امروز باید با هم مجتمع شوید و جمهوری اسلامی را به آخر برسانیم.» (پیشین، ص ۳۷۶).

امام رحمته الله علیه در تبیین مسئله‌شناسی وحدت اسلامی که یک مسئله فقهی و حقوقی است نه یک مسئله کلامی، می‌گوید:

«یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ای از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و یک دسته حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند. اصلاً طرح این معنا، از اول درست نبود، در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید مطرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند. اینها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و تضادی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و سایر فرق.» (پیشین، ج ۱۳، ص ۵۴).

«ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان‌ها بشود بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه یا سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم. اقلیت‌های مذهبی هم خاطر جمع باشند که ما اطمینان می‌دهیم به آنها که در این مملکت زندگی عادلانه و مرفه‌ی خواهند داشت و مورد پشتیبانی ما هستند. اسلام از اهل ذمه پشتیبانی می‌کند. اگر کسانی چیز دیگری می‌گویند برای تفرقه انداختن است.» (پیشین، ج ۶، ص ۱۳۳).

«ما با برادران اسلامی اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم و ما به برادران خود اطمینان می‌دهیم که تمام اقشار کشور - چه اهل سنت و چه شیعه - به حقوق خود خواهند رسید و هیچ فرقی بین طوایف مسلمین در حقوق سیاسی و اجتماعی و غیر آن نیست.» (پیشین، ص ۴۳۰).

### مسئله‌شناسی تقریب از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

یکی از مشکلات اساسی در طرح تز وحدت اسلامی، که قبلاً نیز به آن اشاره شد، خلط مسئله‌شناسی وحدت اسلامی است؛ بعضی‌ها به قضیه، نگاه کلامی دارند و تصورشان این است که طرفداران وحدت اسلامی، برای رسیدن به وحدت اسلامی، از مسائل اختلافی اعتقادی کوتاه می‌آیند و به اصطلاح عقیده را فدای مصلحت وحدت می‌نمایند و در نتیجه اینها وحدت را در تضاد با حفظ اصالت‌های اعتقادی می‌پندارند و از این رو معتقد می‌شوند که وحدت و تقریب بین اتباع مذاهب ممکن نیست؛ به بیان دیگر، با نگاه کلامی نتیجه فقهی می‌گیرند.

از طرفی، بعضی‌ها با نگاه فقهی و حقوقی به وحدت نتیجه کلامی می‌گیرند؛ به این معنا که معتقد می‌شوند مذاهب قرائت‌هایی از اسلام است و اسلام جوهر اصلی است و مذاهب، اجتهادات و قرائت‌هایی از اسلام و به یک معنا می‌باشد. آنها تکثر مذهبی را به معنای حقانیت آنها پذیرفته‌اند.



مقام معظم رهبری با دید دقیق و ژرف‌اندیشی خاص، این موضوع را کالبدشکافی نموده و می‌گوید:

«مراد از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید فقهی - هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است، میدان بحث فقهی است، میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد.

مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است؛ ولاتنازعا فتفتلوا، تنازع نباشد، اختلاف نباشد، قرآن می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا»، اعتصام به حبل‌الله برای هر مسلمان یک وظیفه است، اما قرآن اکتفا نمی‌کند به این که ما را به اعتصام به حبل‌الله امر کند بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل‌الله را در هیئت اجتماع بدهید جمیعاً، همه با هم اعتصام کنید و این اجتماع و این اتحاد یک واجب است.» (دیدار با شرکت کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی، مورخ ۸۵/۵/۳۰).

بعضی‌ها برای رسیدن به وحدت اسلامی، نفی مذاهب را پیشنهاد می‌کنند؛ با این بیان که در زمان رسول خدا ﷺ و دوران صحابه، اسم و رسمی از مذاهب فعلی نبود پس باید به دوران سلف برگشت و ملاک ما باید دوران پیامبر و صحابه (سلف) باشد. مقام معظم رهبری به این اندیشه چنین پاسخ می‌دهد:

«مقصود این نیست که مذاهب، در یک مذهب حل شوند. بعضی کسان برای این که اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می‌کنند. نفی مذاهب مشکلی را حل نمی‌کند، اثبات مذاهب، مشکلات را حل می‌کند. همین مذاهبی که هستند هر کدام در منطقه خودشان، امور معمولی خودشان را انجام می‌دهند اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند.» (دیدار با میهمانان کنفرانس اسلامی، مورخ ۷۶/۵/۱).

ایشان در بیان مراد از وحدت می‌گوید:

«اگر ما می‌گوییم که شیعه و سنی در کنار هم قرار بگیرند یعنی شیعه، شیعه بماند، سنی هم سنی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از وحدت این است که شما شیعه بشوید؟ ما چنین چیزی نگفته‌ایم. هر کس خواست شیعه بشود از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند، ما نمی‌گوییم شما مذهب را عوض کن، ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سر عقل باشند هم‌چنان که بحمدالله در دوران انقلاب اسلامی در کشور ما مشاهده شد. نگذارید دشمن از اختلافات اینها سوء استفاده کند، برگزاری هفته وحدت برای این است.» (پیشین).

ایشان در فرازی دیگر می‌گوید:

«وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری بکنند نه این که شیعه سنی و سنی شیعه بشود بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به همین ترتیب عمل نماید.» (دیدار با گروهی از آزادگان، مورخ ۶۹/۷/۱۱).

### نتیجه‌گیری

مسئله‌شناسی وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب گام اساسی در تبیین صحیح دکترین تقریب مذاهب اسلامی است.

نپرداختن صحیح به مسئله‌شناسی وحدت اسلامی و بیان نکردن شفاف و دقیق مسئله باعث گردید جمعی از بزرگان و رهبران دینی که دغدغه حراست از باورهای مذهبی خویش را دارند، با دیده شک و حیرت به مقوله وحدت بنگرند و آن را حرکتی در راستای تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی ارزیابی کنند.

مروحوم آیت‌الله بروجردی معتقد بود: طرفداری از تز «اتحاد اسلامی» ایجاب نمی‌کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود، آنچه نباید صورت گیرد کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه‌های مخالف را برمی‌انگیزد، اما بحث علمی سر و کارش با عقل و منطق است نه عواطف و احساسات.

شهید مطهری معتقد است: «وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است.

هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند، هم‌چنان که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی‌مابین بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظر ایجاب می‌کند این است که مسلمین برای این که احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود یا شعله‌ور نگردد متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب و شتم ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نیندند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند».

امام خمینی و مقام معظم رهبری نیز وحدت اسلامی را در هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی تعریف می‌نمایند.

وحدت اسلامی، اتحاد، انسجام، و تقریب بین مذاهب، مسئله‌ای فقهی و حقوقی بوده و به روابط پیروان مذاهب اسلامی ناظر است.

طرح و اندیشه وحدت، مسئله فقهی و حقوقی است و روش بحث آن نیز روش فقهی و حقوقی است و به کار گرفتن روش‌های کلامی در آن از خطاهای فاحش و راهبردی است. یکی از خطاهای راهبردی در موضوع وحدت، به‌کارگیری روش کلامی و نتیجه‌گیری فقهی است که نتیجه آن عدم اعتقاد به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب اسلامی و حکم به تکفیر دادن و مشرک و مه‌دورالدم دانستن طرف مقابل و سلب حقوق اجتماعی و سیاسی از اوست. هم‌چنین از روش فقهی نتیجه کلامی گرفتن از دیگر خطاهای راهبردی در مسئله است. آثار روش فقهی که همان حیات دنیوی است با آثار روش کلامی که حیات اخروی است تلازمی ندارد. در مسئله فقهی و حقوق اسلامی، بحث از تکلیف و وظفه ما در تعامل با پیروان مذاهب اسلامی است، اما در مسئله کلامی، بحث از حق و باطل و سعادت اخروی است. بعضی‌ها می‌خواهند از روش فقهی و حقوقی نتیجه بگیرند که اسلام جوهر اصیل، و مذاهب، اجتهادات امامان مذاهب و قرائت‌هایی از دین است. البته اگر مراد، مجزی بودن مذاهب در نحوه تعامل و قبول آنها در تعامل باشد مسئله و جواب آن فقهی و صحیح است، اما اگر مراد، حق بودن همه مذاهب باشد، این امر، نتیجه‌گیری کلامی از یک مبحث فقهی است که خطا بوده و اصول اعتقادی و کلامی شیعه چنین برداشتی را تجویز نمی‌نماید.

منابع و مأخذ

۱. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۳، ۹۶، ۵۸.
۲. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری.
۳. \_\_\_\_\_، مجموعه آثار، ج ۲۵.
۴. \_\_\_\_\_، یادداشت‌ها، ج ۱.



جریان‌های روشن‌فکرانه گروه‌های مسلمان اندونزی

دکتر سید میرصالح حسینی<sup>۱</sup>

چکیده

اندونزی در جنوب شرقی آسیا کشوری مسلمان‌نشین است. این کشور به صورت مجمع‌الجزایری است که در امتداد هم پراکنده شده‌اند. مسلمانان این کشور شافعی مذهب‌اند و جهت‌رهایی از ظلم استعمارگران به سمت تشکیل نظام سیاسی جدیدی روی آوردند. اندونزی در سال ۱۹۴۵ میلادی به استقلال رسید و رهبران انقلابی این جزایر جریان‌های فکری زیادی را تجربه کردند.

در این نوشتار به تیپولوژی جریان‌های روشن‌فکری به وجود آمده در ابعاد مختلف برای گروه‌های مسلمان اندونزی، اشاره نموده و به جریان‌شناسی آن با مدل توصیفی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: اندونزی، استعمار، جریان‌شناسی، تیپولوژی جریان‌ات روشن‌فکری.

اندونزی از چندین هزار جزیره (جاویدفر، بی‌تا، ص ۴۹) کوچک و بزرگ با وسعت تقریبی ۱/۹۵۷/۵۶۸ کیلومتر در جنوب شرقی آسیا واقع شده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶؛ کاست بید و تامن، ۱۳۴۰، ص ۳۶۸ و یاوری، ۱۳۷۲، ص ۴۰). این کشور در تالاقی دو اقیانوس هند و آرام قرار گرفته و سواحل شمالی آن روبه‌روی تنگه مالاکا و دریای چین جنوبی می‌باشد. پایتخت اندونزی شهر جاکارتا است و سابقه تشکیل این شهر به قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی باز می‌گردد. (مظفری، ۱۳۷۲، ص ۶). وسعت این کشور بیشتر از نصف قاره اروپا و نیز بیشتر از مجموع کشورهای اسلامی مصر، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و اردن است. (موسوی بجنوردی، پیشین، ص ۳۴۷).

اندونزی دارای آب و هوای استوایی (حاره‌ای) دریایی و نیز دو فصل خشک و بارانی است. از مشخصات آن گرمای فراوان، باران زیاد، رطوبت دائمی و بادهای ملایم است و اختلاف فصل‌های آن از بیش از ۲ درجه تجاوز نمی‌کند. (پیشین، ص ۳۴۹). این کشور دارای رشته‌کوه‌ها و قله‌های

۱- عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه.